





[illegible]

[illegible]







بسم الله الرحمن الرحیم

بنا بر همت شاهنشاه فلک درگاه شهریار اعظم جمجاه
ابدالله عیشه و اید الله جیشه را که پیوسته در تمشیت رموز
ملک و ملت و تقویت امور دین و دولت با جهدی
وافی و عزمی کافی است و باشارت جناب صدر الصدور
امیر مؤتمن اعظم و صدر معظم مدظله العالی معلم دانا و مهندس
کامل موسیو بوهلر بترتیب فرانساوی رساله مختصر در قواعد



امور اردو و معسکر مرقوم نموده و محمد حسین خان قاجار مترجم

بعبارتی واضح ترجمه و برساله معسکریه موسوم داشته بجهة تعدد

آن غلام درگاه رضاقلی ناظم دار الفنون چندین نسخه در

مطبع دار الخلافه مطبوع و بعساکر نصرت ماثر که در سرحدات

ممالک محروسه بخدمات مامورند مرسول افتاد و مشتمل

بر سی و دو نمره است نمرۀ اول در تعریف اردو زدن

و دقایق آن و آن عبارت از تعیین محل مردان و اسبان

گروههای مختلفه یک قشون است در زمینی که سردار قشون

جهة افتادن اردو مشخص مینماید و باید ترتیب جایها

بنهجی باشد که از مکانی بمکانی بی زحمت تردد نمایند و در

زمان جنگ یا کوچ با کمال نظم و آسانی از آنها عبور

بتوانند نمود نمرۀ دویم فواید انتخاب یک محل بجهة اردو



زدن جایهائی را که لشکریان منزل میکنند و پیش روی

اردو را که لشکریان دشتبان میانزند قرنت اردو نامند و

اردو را همیشه عقب و نزدیک میدان جنگ میزنند و طرح

آن عمل صاحب منصبان است چون تعیین محل توب و تفنگ

در محاصره و جنگ کار آنها است لازم است که علم توبخانه را

بطریق اجمال بدانند و اصل در انتخاب اردو این است که

مناسب اعمال و حرکاتی باشد که مامورین اراده کردن آنها را

داشته باشند و در اردو زدن سعی نمایند که قشونات

گریزگاهی بعقب داشته باشند که اگر شکستی روی دهد

پس نشستن آنها آسان باشد و در راست و چپ اردو

رودخانه یا سیلاب یا کوه یا موانع دیگر باشد تا طرف

راست و چپ لشکر را از دست برد دشمن امین دارد



دارد

وزین پیشرروی اردو مناسب عمل تیر توپ وتفنگ باشد
یعنی صاف وهمون باشد و دربندها داشته باشد که اگر
بخواهند بر سر دشمن تاخت بیاورند راه داشته باشند و
مکان اردو را بقدر امکان نزدیک بجاهائی قرار دهند که
باسانی آزوقه آورده شود و هوایش سالم و نزدیک باب
وجنگل وچمن باشد که جمیع اینها از لوازم است در هیچیک
اینها اهمال نکنند تا بتوانند آنجاها را حراست نمایند
ونیز مکانی را انتخاب کنند که عرصه گاه آن دو میدان
جنگ داشته باشد یکی مناسب حال محارسین اردو
دیگر مخالف احوال تاخت آورندگان دشمن اما مناسب
حراست آنست که سپاه از راست اردو بچپ آن و
از پشت به پیش اردو بجهة امداد یکدیگر گردش بتوانند کرد



و زمین اردو بر زمینهای مجاور بقدر تیررس توپ سرکوب باشد
و زمینهای اطراف اقلا بقدر تیررس شمخال و ساچمه توپ باشد
که دشمن نزدیکی اردو نتوانند بیاید و جنگل و سنگها و قریها داشته
باشد تا اینکه جانب راست و چپ و بعضی از قسمتهای ضعیف
با آنها تکیه کنند بی آنکه زحمت و سختی در حرکت لشکر وارد
بیاید و جای اردو بقسمی باشد که قشون از نظر دشمن و آتش آن
پوشیده بماند تا زمان جنگ و نیز بلندیهای مکان اردو
باطراف اندکی صاف و سرازیر باشد و دران سرازیری هیچ
پیچ خم زمینی نباشد که دشمن را بواسطه آن نه بینند میدان
جنگ مخالف تاخت آورند کان آنست که بر هر طرف بقدر
تیررس توپ و تفنگ سرکوب باشد و در هر طرف آن
میدان باتلاق و رودخانه و سیلاب و شکها باشد که دشمن
بار



باسانی نتواند پیش بیاید اگرچه در حالت ستون باشد
و نتواند صفهای خود را برای جنگ کردن از یکدیگر بگشاید
و تگرگ گلوله بر سر آنها ببارد بی آنکه ضرر بسیاری از آنها
برسد اگر اردو در جائی اتفاق افتد که این دو میدان جنگ
ممکن نشود هر قدر که ممکن است بقاعده سنگرسازی اردو را
استحکام دهند که جمیع ترجیحات زمینی برای قشون حاصل شود
و اشکالات مذکور برای دشمن روی دهد نمره سیم در اصول
کلیه و قواعد اصلیه در اردو زدن دو اصل اعتبار کردند
اول آنکه لشکر در حالت دشتبان مساوی با فرنت اردو
باشد ثانیا آنکه لشکر با کمال نظم و چابکی از اردو بمیدان
جنگ و از آنجا باز باردو بیاید از اصل اول این قاعده
لازم می آید که فرنت اردو با فرنت دشتبان مساوی باشد



و از اصل دویم قاعده دیگر که ترتیب اردو مثل ترتیب دستجات

باشد باینمعنی که چادر و اسباب هر فوج و هر دسته در عقب

خودشان باشد اصل دیگر که ناپلیان قرار گذاشته این است

که اردوی سپاه باید بطوری زده شود که بتوانند بیکدیگر

کمک و امداد نمایند و مرشل سکس میگفته که هر سپاهی که

پشت بند نداشته باشد آنرا سپاه شکست خورده شمرند

نمرۀ چهارم در حزم و احتیاطاتیکه لازم است بجا آورده

شود که تا اعمال اردو بخاطر جمعی انجام بگیرد یک لشکری هر قدری

که ممکن است در حفظ و نگاهداری خود سعی نمایند و دمبدم

باین خیال باشند که مبادا خللی در کار ایشان پیدا شود یا

اینکه دشمن که در برابر آنهاست بایشان غفلتاً تاخت و حمله

بیاورد باین ملاحظات هر احتیاطی که ممکن است باید

بجا آرند



بجا آرند و اردو را بقسمی ترتیب دهند که همیشه آماده دفاع و مستعد
قتال باشند و بنا به عادت باید جمعی از پیاده و سواره سبک را
در پیش بفرستند تا اینکه جایهای محکم را که قابل حراست اردو
باشد متصرف شوند و همان ساعتی که قشون بمنزل میرسد و
جایها مشخص میشود باید در پیش روی اردو دشتبان بسازند
که فرنت و خطوطش بقاعده یا بی قاعده موافق دستورالعمل
سردار باشد چون چنین کردند هر یک از لشکریان در حالت
حمله جایهای مخصوص بخود را می شناسند نمرهٔ پنجم در
علومی که لازم است برای اردو زدن یک لشکر دانستن
شش چیز بجهة اردو زدن اول ترتیب وضع اردو دوم
قرار تومان و اجزای تومان سیم اندازه زمینی که در یک
صف دشتبان برای پیاده مردها و اسبها لازم است



و همچنین مسافتی را که میان افواج فاصله باید گذاشت چهارم
ترتیب وضع جنگ بنحویکه موافق آن باید بجنگ پرداخت
پنجم در امتداد و طول فرنت افواج که بجهة آنها اردو باید زده
شود ششم ترکیب و اندازه چادرها یا خانهائیکه در میان آنها قشون
و اسباب آنها جا کرده شود نمره ششم در تعریف چادرها و
صورتش در شکل اول و دویم نقشه اول در آخر رساله ثبت است
پنج فقره گذشته اول متعلق است بدرس تمهیدات جنگی که در
مدرسه نظامیه خوانده میشود اما فقره ششم که عبارتست از طرح
و اندازه چادرها یا خانهاست از شکل اول و دویم و سیم نقشه
بقدر کفایت معلوم میشود وضع چادر زدن بطرز قدیم در
شکل دویم از نقشه این رساله طولش سه متر و سی و پنج جزء از
یکصد جزء متر است و عرضش دو متر و هشتاد جزء از صد جزء



مربع

متر ذرع فرانسه است و ذرع ایرانی مرکب است از یک متر و
چهار جزء از صد جزء متر که تقریباً سه ذرع طول در دو ذرع عرض
میشود دو ستون به بلندی دو متر دارد و در روی آنها بعوض
کماچه چوبی به بلندی دو متر میگذارند که قرار سقف چادر
بر اوست یکطرف آن مدور و طرف دیگر مقابل راست و درش
از طرف راست است مختصرش اینکه چادر یکسر طبل است
و برای هشت پیاده است وضع چادر بطرز تازه و در شکل اول
نقشه ثبت است و بیانش این است که طولش شش متر و عرض
چهار متر است هر دو طرف آن مدور و درش یکی از دو
طرفست یک ستون به بلندی دو متر و نیم دارد و در سر ستون
چوبی به بلندی دو متر بعوض کماچه میگذارند و ترکیبا شکل چادر
قلندری است این قسم چادر برای جای پانزده نفر پیاده



یا هشت سواره یا هشت توپچی است و اطراف چادرها را جوی
میکنند برای حفظ از باران که آب در چادر نیاید اما ذکر
بنای خانها در محل خودش خواهد شد نمره هفتم در اردو
زدن پیاده و سواره بیانش این است که یک باطالیان
پیاده را قوه واحد گیرند و دو باطالیان را دو قوه و همچنین
یک اسکادران سوار را قوه واحد شمارند و دو اسکادران را
دو قوه دانند پس هر باطالیان و هر اسکادران بمنزله یک
واحدند و چون ترتیب اردو زدن یک باطالیان پیاده و
یک اسکادران سواره دانسته شد اردوهای بزرگ را هم
از آن قرار میتوانند ترتیب دهند نمره هشتم در اردو زدن
یک باطالیان و قورمول برای تعیین فرنت اردو یا
فرنت دشتبان یک باطالیان موافق ترتیب داده شده



دیوار

وبکار بردن فورمول در یک باطالیان که مرکب است از
هشت دسته و صورتش در شکل چهارم از نقشه دویم ثبت است
فرنت ارد و مساوی فرنت دشتبان باید باشد پس فرنت
مهیا و پیدا نمود یک باطالیانرا
دشتبان یک باطالیانرا یک قوه و یک ترتیب مطلق
اعتبار میکنند ترتیب دشتبان مرکب است از قطارهای
تمام و از قطارهای ناتمام و قطار تمام عبارت است از دو
یا سه نفر است که در پشت سر یکدیگر ایستاده باشند و همشان
باشند و قطار ناقص آنست که نه چنین باشد مثل انکه وکیلی
در عقب سر سلطانی بایستد فرض میکنیم که N عدد سرجوقها
و سربازهای باطالیان باشد n عدد صفوف پس $\frac{N}{n}$
عدد قطار تمام خواهد بود همچنین فرض میکنیم که c عدد دستها
باشد c+1 عدد قطارهای ناقص خواهد بود بجهة وکیلی



که در جیب باطالیان است پس عدد جمیع قطارها این خواهد

شد $\frac{N}{n}+c+1$ چون فرنت یک پیاده مساوی به پنجاه جزء

از صد جزء متر یا پنجاه و پنج جزء از پنج جزء متر است پس فرنت

باطالیان و هکذا فرنت اردوی به این فورمول بیان شود

$$\left(\frac{N}{n}+c+1\right)\times 0{,}55$$ متر در تعیین فرنت

اردوی یک باطالیانیکه از هشت دسته مرکب باشد و

هر دسته هشتاد نفر بغیر از صاحب منصب ازبرای آنکه عدد

سربازها و سرجوقهای یکدسته هشتاد و پنج است و هر دسته

پنج وکیل دارد بنابراین فورمول این میشود $N=75\times 8=600$

و هرگاه n را مساوی سه فرض نمائیم باینطریق

$n=3$ در اینصورت فورمول چنین میشود

$$\left(\frac{600}{3}+8+1\right)0{,}95=209\times 0{,}55=114{,}95$$



این اندازه مساوی فرنت اردو خواهد بود فرنت اردو که معلوم شد در زمینی طرح میکنند که پست زرع عقب دشبتان و محاذی بآن صف باشد چادرهای سرباز را در روی یک خطی که عمود است بر فرنت اردو میزنند بهمین طریق یک سلسله از قطار میسازند عدد قطار مساوی بعدد دسته هاست در صورتیکه باطالیان کمتر از هشتصد نفر باشد و مساوی بعد دنیم دسته است وقتیکه هشتصد نفر یا زیاده باشد از برای آنکه طول اردو زیاده نشود باطالیانیکه فرض شد قطار چادرهاش بشماره دسته ها باشد و آن هشت قطار چادر دارد که دو قطار راست وچپ قطار طاق است و سه قطار وسط قطار جفت و فاصله قطارهای جفت از هم یک کوچه ایست که دو متر عرض اوست از جهه رسم چادرها چون در پیش کشیده شد



که پهنای چادرهای تازه چهار متر است در هشت قطار پهنای
آنها سی و دو متر میشود با شش متر مسافت سه کوچه میان
قطارهای جفت که سی و هشت متر است از فرنت اردو
تفریق کرده باقی که هشتاد و شش متر و نود و پنج جزء از صد جزء
متر است عرض کوچهای بزرگ است که در میان قطار طاق
با قطار جفت و قطارهای جفت است که عدد آنها مساوی
نصف عدد قطار چادرها است یعنی چهار است این در
صورتیست که عدد قطارها جفت باشد و بشماره نصف عدد
سوای واحد در صورتیکه عدد قطارها طاق باشد بنا
بر این یک قطار براست یا بچپ اردو خواهد بود و چهار کوچه
بزرگ خواهد داشت که عرض هر یک ۱۹,۲۳ متر = ۲۶,۹۶ / ۴
میشود و عرض کوچهای بزرگ کمتر از شش تا هشت متر نباید باشد



نادری

تا در وقت پیرون آمدن سرباز و جمع شدن آنها کار سهل باشد
و فاصله میان باطالیانها موافق قرارنامه به بیست وچهار
قدم یا شانزده زرع باید باشد و فاصله میان افواج سی و
شش قدم یا بیست وچهار متر است و در سواره کمترین عرض
کوچهای بزرگش از شانزده تا هجده زرع است و کمتر از
این نمیشود از برای اینکه اسبها را بتوانند دو صفه ببندند
نمره نهم در اردو زدن یک اسکادران یعنی یک دسته
سواره که عدد آنها صد و بیست است و فورمول برای تعیین
فرنت اردو یا فرنت دشتبان یک اسکادران بتر تیبی
که داده شده بکار بردن فورمول در یک اسکادران که مرکب
از چهل و هشت قطار است صورتش در شکل پنجم از نقشه
دویم است موافق عملی که برای اردوی یک باطالیان



بجا آورده شد در اینجا نیز صف دشتبان یک اسکادران را
با جمعیت و ترتیبی که دارد پیدا میکنیم و فرض میکنیم که N
عدد سواره و سرجوقه و دو وکیل باشد و n عدد صفوف
در اینصورت $\frac{N}{n}$ عدد قطار تمام خواهد بود و عدد
قطار ناتمام همیشه دو است و زیاده نیست و چون جمیع قطارها
$\frac{N}{n} + 2$ است و چون فرنت یکسواره تقریبا از یک
زرع تا یک زرع یک چارک است بنابراین فرنت اسکادران
و فرنت اردوی آن باین فورمول پیدا میشود....

$1,2 \left(\frac{N}{n} + 2\right)$ متر و بکار بردن این فورمول را در اسکادرانی
که چهل و هشت قطار باشد از عمل چنین بر می آید که شصت
متر باشد اسکادرانی که چهل و هشت قطار باشد اردویش را
رصد بر صد میزنند برای آنکه اگر دو دسته بزنند طول اردو

ابنا



زیاد میشود اگر از چهل و هشت قطار کمتر باشد چادرها را چهار
صفه میزنند باینطور که دو صف راست و چپ طاق و یک
قطار جفت در مرکز از فرنت اردو هیجده زرع که محل چهار
قطار چادر و کوچه کوچک است تفریق میکنیم باقی چهل و
دو زرع میماند که عرض دو کوچه بزرگ است که هر کوچه بیست و
یک زرع است و در میان اسکادرانهای یک فوج را هیچ
فاصله نمیگذارند شش اسکادران یک فوج است و هر اسکادرانی
صد و بیست نفر است ولی یک فاصله از بیست متر تا سی
متر مابین افواج را قرار میدهند و فاصله اردوی سواره
و پیاده از هم پانصد زرع است نمره دهم در دانستن
عرض اردو صورتش در شکل چهارم و پنجم از نقشه دویم ثبت است
و عرض اردو مرکب است از عرض اردوی سربازها و فاصله



معلومه که بکار بعضی از اجزای دیگر اردو می آید قرار این اندازه ها
در قانون نامه بطوری تعیین کرده اند که در هیچ جزء از اردو
اغتشاش و اختلالی وارد نیاید اما فاصله اردوی سربازها
فاصله ایست که تغییر بردار است پس مسافت اردو بسته است
بعدد چادرهائیکه در هر قطار است عدد چادرها را تقسیم
نمودن عدد مردهائیکه در یک قطار می بایست باشند بعدد
مردهائیکه میتوانند در یک چادر منزل کنند معلوم مینمایند
به عرضیکه از عدد این چادرها حاصل میشود مینماید در اردوی
پیاده بقدری دو متر را فزود که در آن اردو عدد چادر هست
بنقصان یک یا یعنی که از عدد چادرهای یک را تفریق کنند هر چه
باقی میماند بقدر آن دو متر بر عرض اردو بیفزایند و در اردوی
سواره عمل همان است مگر آنکه عرض اردو را بقدر پنج ذرع بر عدد
چادرها



چادرها بفرانید فاصله میان صفهای چادر سواره پنج زرع است
از برای آنکه در آن فاصلها جو و کاه بگذارند و فاصله میان
صف چادرهای آخری با چادرهائیکه پیش از آنها واقع است
ده زرع است برای آنکه جو و کاه صف آخر چادر سرباز نزدیک
باتش آتش پزخانه نباشد مبادا بجهة همسایکی آن آتش بگیرد
سخن را در رسم اردو دراز نمیکنیم از برای آنکه در شکل چهارم
و پنجم نقشه دویم با ابعاد اضلاع در طول پژرکیان تمام
باطالیان واسکادران معلوم میشود اما رکیش طرح اردو بواسطه
سه ریسمان فرنت و طول و عمود صورتش در شکل ششم
از نقشه سیم است طرح اردوی باطالیانها واسکادرانها
بواسطه سه ریسمانی است که از اجزای لازم اردو زننده گان است
و آن سه را ریسمان فرنت و ریسمان طول و ریسمان عمود



نامند تقسیماتیکه بدو ریسمان اول نشان کرده میشود بجهة قرار

دادن منازل جمیع اجزای اردوست در روی زمین و اینها

عمود یکدیگر باید باشند بجهة قرار دادن آنها مثلثی حاصل میشود

که نسبت سه طرفش بیکدیگر مثل نسبت سه بچهار و چهار

به پنج است باینواسطه آن مثلث قائمة الزاویه است

طرف صورتش در شکل ششم در امتداد خطی است که

بآن یک عمود میخواهند اخراج کنند که امتداد آن از

امتداد طرف ب ث داده میشود نمره دوازدهم اردو

انداختن توپخانه صورتش در شکل ششم از نقشه سیم است

بدانکه اردوی توپخانه را در عقب اردوی پیاده و سواره

میزنند توپچیهای سواره در راست و چپ می افشند

چون عمل توپخانه بطور دسته است مانیز در اینجا عمل اردو

عمود یکدیگر ریسمان عمود را بکار ببرند از این عمل



انداحتن یک دسته را بیان میکنیم که دانستن آن بجهه عمل
توپخانه کافی است میگوئیم که یک دسته توپ مرکب است
از شش آتشخانه باینقرار توپ هشت پوند چهار عراده قپوز
بیست چهار پوند دو عراده این دسته متعارفی است اما
دسته پشت بند مرکب است از چهار عراده توپ دوازده
پوند و دو قپوز شش ابهام اشخاصیکه برای یکدسته توپ
لازمند مرکب است از یکدسته توپچی پیاده یا یکدسته
توپچی سواره و یکدسته عراده کش یعنی اشخاصیکه حمل ثقل
اسباب و مایحتاج میکنند و اسباب حربیه مرکب از شش
آتش خانه و چهارده عراده صندوق است اول دو عراده
برای یکتوپ و سه عراده برای یک قپوز دو قنداق
یدکی شش عراده صندوق فشنگ سربازی دو عراده



قوتان و یک عراده اسباب آهنگری که جمیعاً سی و یک عراده است و در دسته پشت بند از بابت آنکه توپهای آتش دوازده پوند است چهار صندوق زیادتر دارد که عقب هر توپ سه صندوق است هر یک از این شش آتشخانه و هر یک از این شش عراده صندوق و عراده اسباب آهنگری را شش اسب می بندند باقی عرادها را چهار اسب اردوی توپچی صورتش در شکل چهارم از نقشه سیّم مرکب از چهار اردوست که A و B و C و D باشد فرنت اینها موازی است با امتداد اردوی پیاده و سواره که بعقب آنها گذاشته میشوند هر یک از این اردوها دو قطار دارد دو قطاری چهار چادر و فاصله میان قطارها یک کوچه بزرگی است که عرضش شصت متر است




برای اینکه اسبها را دران کمند کنند مثل اردوی سواره
وطول قطارها چهل متر است بطوریکه فاصله میان چادرها
برای کاه وجو گذاشتن چهار متر باشد و فاصلهٔ میان
اردوی A و B شصت وچهار متر است از برای
اینکه سی ویک عراده را بسه قطار در این فاصله گذارند
وفاصله عرادها از میل بمیل تخمینا چهار متر است وفاصلهٔ
آنها در قطار چهارده متر ونیم است بطوریکه از چرخهای
بزرگ که در عرادهای صف پیش رواست تا چرخهای
کوچک که در عرادهای صف عقبند چهارده متر ونیم باشد
واردوهای C و D که بحسب اندازه مثل اردوهای
A و B هستند بفاصله چهارده زرع عقب عرادها
هستند که بپهلوی هم متصلند عقب این اردوهای

در وسط بفاصله هشت متر است و در مرکز چادر صاحب

منصبان است سه اردوی A, B, C برای عراده

و سه قطار عراده است و اردوی D که بطرف راست است

برای مکان توپچیها است و ترتیبش مثل ترتیب سواره

یا پیاده است موافق آنکه عمل دسته توپخانه یکدسته

توپچی سواره یا یکدسته توپچی پیاده است و اینکه عمل

اردوی مهندس چه باشد و قورخانهها را کجا باید انداخت

تفصیل نداده اختصار میکنیم باینکه این اردوها مرکنند از

قورخانهائیکه عقب آنها اردوی سپاه را بطوری طرح

میکنند که هر کس نقبه را مکان نزدیک باسباب و آلات

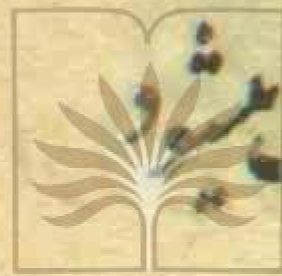
مخصوصه خدمتش باشد نمره سیزدهم در خصوص قراول

اردو در پیش ذکر شد که امنی اردو بواسطه قراولخانه پیش

قراول



قراولان است که در پیش روی اردو و جانب راست
وچپ چند غیر از آن قراولان بفاصله صد و چهل متر یک
قراول مخصوصی در پیش روی هر باطالیان میگذارند
قراولخانهای آنها را بترکیب سنکر خندق میسازند که بزرگی
آن بقدر جاگرفتن دوازده نفر است از این سنکرها هم
سه نفر جدا شده بفاصله پنجاه متر پیش میروند اینها را
قراول فدائی مینامند و تعیین این سه نفر برای این است
که اگر در پیش چیزی باشد بزودی نزد قراولان مخصوص
برگشته به تیر تفنگ یا علامت دیگر سپاه را آگاه نمایند
تا اینکه سپاه آماده جنگ شوند نمره چهاردهم در
اردو تنکه خانه میسازند خانهائی را که از تخته و کاه گل میسازند
صورتش در شکل سیم از نقشه اول است بعضی اوقات میشود



که لشکر محتاج بخانه ساختن میشود بنابراین شاگردان را در
شناسائی این نوع اردو سعی و دقت تمام لازم است
آنچه در اردو در باب چادر ذکر شد در این اردو نیز جابجا بهمان
طور است مگر بیک تفاوت خاص که سلطها با ناپچها
در یک صف بفاصله جا میگیرند صورتش موافق شکل چهارم از
نقشه دویم است اما در اردوی چادر و خانه سواره اختلاف
زیاد است چنانچه در شکل دویم از نقشه دویم ملاحظه میشود
ساختن این اردو در بعضی از زمان و در فصلهای بد لازم است
بجهه اینکه در چنین اوقات برف و باران مکانی را لازم
دارند که قرار و استحکامش بیشتر از چادر باشد این خانهارا
یا از تخته و یا از کاه گل میسازند خانه را که از تخته میسازند صورتش
در شکل سیم از نقشه اول ثبت است و طور ساختنش



این است که بر چهار گوشهٔ یک مربع طولانی در وسط
ضلعهای اطول او اگر لازم باشد تیرکها نصب کنند که دو
بدو بواسطه چوبهای کوچک سرشان از بالا بهم وصل باشد
و بر وسط دو ضلع اقصر نیز دو عمود نصب میکنند که دراز
تر از تیرکهای اول باشد و بر روی آن ستونها چوبها
انداخته و روی آنهارا به تختهای کوچک که بر روی هم
بقدر چند انگشت سوار باشند میپوشانند از جهة آنکه
اندرون اطاق خوب محفوظ بماند اما ساختن خانه
کاه گلی بدانکه بسیار کم میشود که اسباب ساختن خانه
تخته برای لشکر زیاد در همه جا ممکن شود تا آنکه آنهارا
از صدمات هوا محفوظ دارد باین واسطه بیشتر اوقات
خانه کاه گلی میسازند و بام او را از کاه وکاشی و گل بنا



و غیره میپوشانند و ما بنای یک خانه میخواهیم بگذاریم که
برای شانزده نفر باشد موافق قرارنامه باید طولش هشت قدم
که هر قدمی دو پا باشد و در هفت قدم عرض باید باشد این
خانه یک استخوان بندی میخواهد که چهار پنج فرم کوچک
داشته باشد و فرم این ترکیب است عیجه و این
مرکب است از دو پایه و دو خرپا و یک عیجه باصطلاح
نجاری چوبی را گویند که بجهة محکم کردن دو پایه در میان
آنها قرار میدهند پایه‌ها را یا یک ذرع بزمین فرو
کنند یا بر روی یک تخته پیکری با هم جمع کنند در
صورتیکه چوبها نجاری کرده باشد اتصال خرپاها با پایه‌ها
یا به نیم و نیم کردن و میخ کوبیدن است یا بشاخهای نازک
و ملایم و ریسمان پیچیدن است و اتصال خرپاها بیکدیگر



بل

پیک غیچه است که دو ذرع بالاتر از زمین باشد و نیز از
داخل پایها میان بند و روبندهای دیگر میزنند که استحکامش
بیشتر شده باشد و در میان زاویه که از گذشتن سر خرپاها
از یکدیگر بهم میرسد چوبی می اندازند که سر بام خانه بر او بست
محکمی فرمها بواسطه این چوب و چوبهای دیگر است
که بر خرپاها و در دستکهای کوچکی که در میان فرمهاست
قرار میدهند و ترکیب این خانه نزدیک بترکیب چفتها بست
که سر آنها را بطریق شیروانی درست میکنند استخوان
بندی سبکی که روی آنرا بپوشانند چنین چیزی است
اما در بیرون و درون خانه ورکشادگی که میان فرمها
و دستکهاست کاه گلی را که شاخهای باریک کوچک
در آن کرده باشند در فاصلهائی که میان دستکهاست



بروی یکدیگر میگذارند و مسافت این دستگها از یکدیگر بقدر
سی جزء از صد جزء یا پنجاه جزء از صد جزء باید باشد بعد روی آنرا
با کاه گل میمالند یا با آب آهک سفید میکنند اندرون هر خانه
یک خوابگاه سفری لازم است چراکه بهتر است که مردم
روی زمین نخوابند و ساختن آن باین طریق است که اول
با چوب پارچه مربعی که بافت او مثل سبد باشد مهیا میشند
که دو زرع طول و یک زرع عرض اوست و چهار گوشه
او را بچهار میخ استوار میکنند که بمقدار سی یا پنجاه جزء از صد جزء یک ذرع از
زمین بلند باشد و روی آن کاه ریخته کولباره و رخوت
خود را بالش کرده میخوابند و بجهة ساختن خانها شاخه
درختی که سیزده زرع طول و هشت جزء از صد جزء قطر داشته
باشد میتوان بکار برد بام خانه را از قطعات چمن که با بیل



بریده باشند میتوان پوشانید همچنین خانها را یک ذرع
پائین تر از زمین میتوانند بسازند نمرهٔ پانزدهم در کامپ
وکاشمان وکامپمان از قرار قانون نامه بدانکه کامپ
مطلق اردو را گویند اعم از آنکه چادر باشد یا خانه باشد
~~یا خانه باشد~~ یا هیچیک اینها نباشد کاشمان اردوئی را گویند
که در دهات نزدیک یکدیگر افتاده باشد کامپمان اشخاص
مامور بآماده کردن محل اردو را گویند چه در صحرا باشد
و چه در دهات نمرهٔ شانزدهم در انتخاب و ترکیب اردو
سردار پیش از آنکه حرکت کند بقدر امکان باید حکم
بشناختن محل اردو بکند انتخاب و ترکیب اردو بسته
برای سردار است واگر اردو وار دوی کوچ است صاحب
منصبی که مامور به تعیین محل اردوست محلی را مشخص کند



نزدیک باب آب و جنگل و آبادانی باشد و سهل العبور باشد

بیش در فراهم آوردن اسباب آسایش لشکر باشد

زار دو اردوی یک صد لشکر است یا اردوی سرحد

اری است و میخواهند عدد لشکر را بنظر دشمن زیاده نمایند

رح و بزرگی اردو بسته برای سردار و قصدیست که دارند

نمرهٔ هفدهم در اینکه مامورین بمهیا نمودن اردو چه کنند

امورین به مهیا نمودن اردوی یک فوج مرکبست

از یک اجودان یاور و یک اجودان و یک دسته از

وکیل و یک سرجوقه و دو سرباز وقتیکه اردوی باطالیان را

میخواهند از همدیگر جدا بزنند هر اجودان با کاپیتان

فوج خودش حرکت میکند جا دادن افواج در دهات

یا در اردو جمع کردن آنها و تقسیم آنها اگر نمره دارد



همراه کاپیمان حرکت بکنند یا نکنند تعیین جمیع اینها
با سردار است و سردار میتواند همراه کاپیمان از افواج
دستهها و اسکادرانها روانه کند در صورتیکه فرستادن
آنها را از جهة اطمینان حرکت خودش لازم بداند تا شکلها
و دهات و جمیع جاهائیکه لازم است متصرف شوند نه
و اسبهای یدکی را بهیچ عذر همراه کاپیمان نمیفرستند
نمره پنجم هم در اجتماع کاپیمان وقتیکه سردار بتواند
از پیش بجهة آماده ساختن اردو آدم روانه نماید رئیس
اتامزررا در این باب سفارش میکند که اگر حاصل را
بر نداشته باشند احتیاطات لازمه در باب اطمینان
از جهة آذوقه رارئیس اتاماژور بجا بیاورد که ضایع و
تلف نشود رئیس اتامزر را از قشون کاپیمانشان را میطلبد



ومیگوید که یک صاحب منصب بزرگ را تا مرز مامور بهمراهی
شماست و اگر از صاحب منصبان مهندس در اردو
باشند یکی از آنها را همراه صاحب منصب تا مرز میفرستند
از برای اینکه شناسائی درستی از محل اردو بهم رسانید
نقشه او را بردارد که چه جا را لشکر بسازد و چه جا را معبر
بسازد

نمرهٔ نوزدهم در تکالیف اجودان یا ورکاپیمان

اجودان یا ورکاپیمان باید شناسائی جاهای آب را
داشته باشد یا بشناساند جاهائی که آب میتوان برداشت
و خطرگاه ها را که عبارت از نزدیکی دشمن یا چیز دیگر باشد
معلوم کرده نشان بگذارد و برای آسان کردن راهها
بجهة عبور اگر کاری لازم شود کرفهای داروغه یا اهل
آن بلد انجام میدهند و نیز شناسائی داشته باشد

که در ایلات



انداحش میدهند وقتیکه اهل اردو بمنزل میرسند
برای انکه همه دریکجا جمع شوند پیادکان در فرنت اردو
صف میکشند و سوارها در عقب اردوی خودشان
می ایستند و امیر تومان ها و میرپنجها بقدر امکان در منزل
دادن سپاه تعجیل میکنند خاصه وقتیکه راه بسیار رفته
و مشقت بیشمار کشیده باشند و در هر بریکاد میرپنج بشخصه
سرهنگان را و در هر فوج سرهنگ بصاحبمنصبان بزرگ
والفرمان ده دستها و باجوان یاوران واجودانهای
مجتمعه در دایره را حکم میدهد و آردالی عقب سلطانهای
خود را حکم میدهد و مقصود از این حکم معلوم نمودن عدد
اشخاصی است که افواج بجهة قراولی اردو باید بدهند و برای
تعیین جنس و ساعت و محل تقسیمها که هر قسمتی بکجا و چه ساعت



بیاید

ولی چه چیز و بند و قراولان کمک را که باید بآنجا بفرستند

و انجام دادن کارها برای مربوط نمودن جایها بیکدیگر و

محکم کردن قراولخانه و ترتیب دادن امورات متعلقه بکوچ و

چیزهائیکه باعث نظم اردو و خدمت داخله و خارجه آن است

حکم میدهند و حکم خدمت را اجودان یاور و اجودان همیشه

میدهند سلطانها با آواز بلند بدستههای خود حکم میدهند

و با آن حکم بیانات لازمه را جمع میکنند اهل خدمت کارها را

وکیل باشیها حکم میدهند جمع کردن قراولها یاور همیشه ا

همینکه جمع شدند بی تامل بقراولخانههای خود میروند نمره

بیست دویم در ورود باردو ترتیبات مقدم که حاصل

شد بیدق هر باطالیان را در وسط آن نصب میکنند و دستها

جا مهتارها درست میکنند و قراول کمک شو الهسار ا



در خط یک کیل یک و کیل قرار میدهند شواله چوبی است که
بجهة تفنگ بر آن گذاشتن میسازند قراولهای کمک برای
سیورسات و خدمات دیگر در عقب چادرها جمع میشوند و کسانیکه
در خدمت نیستند خانهارا میسازند اگر نزدیک بدشمن باشند
قراولان با اسلحه میمانند تا رسیدن قراولهای کمک در
اینصورت لازم است بجهة تقویه آنها از هر دسته چند نفر
بفرستند در سواره پیدق را بطریق عاریه بداروغه بسپارند
هر دسته قدری عقب تر از جائی که اسبهاشانرا می بندند
میروند در آنجا یک صف می بندند چنانچه در قانون نامه قرار
داده اند آنوقت از اسبان فرود آمده بعضی از سوارها اسبهارا
نگاه میدارند دیگران بعد از آنکه اسلحشانرا چاتمه کردند اسبهارا
می بندند و باحتیاج خود را فراهم می آورند بعد از آن



شروع بخانه ساختن می کنند همینکه خانهارا ساختند هر کس
آن
اسلحه خود را بطرفی میگذارد که از باران محفوظ باشد بعد از ا

پیدق امنزل سر بنک میبرند نمره بیست سیم در تعلیم جهة
ترسیم یک اردو اصطلاحات سر و فرنت و جنب و یمین و
در اردو موافق
یسار و قطار و صف و شبان است اندازهای اردو مقدارش
اندازه
بقدم دو پائی است که هر سه قدم مقابل دو متر است
است
اردو همیشه مساوی نفرات سپاهی است که در آن اردو
خانها موافق اجزائیکه در آنها نهاده میشود در بزرگی تغییر
میکنند اما هر چه بزرگتر ساخته شوند بهتر است خانه را که
برای بیست نفر میسازند هفت قدم عرض و ده قدم طول باید
هشت
داشته باشد و برای شانزده نفر هفت قدم عرض در
قدم
قدم طول است و برای هشت نفر چهار قدم عرض در هشت



طول و خانه سواره بجهة زین گذاشتن عدد آدمش کمتر باید
باشد ترتیب خانها بقطار و بصف است و عدد صفها موافق
قوه دستها و اسکادرانهاست و موافق اندازه خانها تغییر
میکند نمره بیست چهارم اردوی پیاده هر دسته پیاده
دو قطار خانه دارد که فاصلهٔ قطارها بیک کوچه بزرگی است
که عرضش بسته باندازه فرنت قشون است و کمتر از پنج قدم
نباید باشد و فاصله دستها از یکدیگر بیک کوچه کوچکی است
که عرضش دو قدم است قطار اول و آخر یک باطالیان
طاق است و فاصله میان باطالیانها مثل دشتبان
بیست و چهار قدم است خانهائیکه برای بیست نفر تا شانزده
نفر سرباز است ضلع درازترش بطرف وسط اردو است و
درش در ضلع کوتاه‌تر بطرف فرنت اردو است فاصله

هر صف در اینصورت یک کوچه ایست که عرضش
پنج قدم است چنانچه در شکل اول از نقشه دویم مکرر مشاهده
میشود برای اینکه امتداد از فرنت اردوی پیاده تا بوسط
زیاده نشود ضلع بزرگتر خانهارا وقتیکه برای هشت نفر است
مقابل فرنت اردو میکنند و درش را بطرف کوچه بزرگ
میگذارند در اینصورت فاصله صفها از یکدیگر سه قدم میشود
شوالهارا یعنی چوبهائیکه تفنگ بر آنها میگذارند پانزده قدم
پیش روی صف اول خانها میگذارند هر دسته دو شواله
در پیش روی مرکزش دارد فاصله میان شوالها موافق
بعد فرنت مختلف میشود بیدق را در همان خطی که شوالها
هستند نصب میکنند آتش پز خانهارا بیست قدم عقب
صف آخر خانها قرار میدهند خانهای اتاماژر کوچک



وارد و بازارچی بیست قدم عقب‌تر از آتش‌پزخانه‌هاست

خانه صاحب منصبهای دسته را بیست قدم عقب‌تر و

خانه‌های اتامژر را بیست قدم عقب‌تر از خانه صاحب

منصب دسته قرار میدهند صاحب منصب‌های دسته

در وسط همان دسته منزل میکنند سلطان براست نایب

اول و دویم در یک خانه بچپ جا میگیرند هر رئیس باطالیان

همیشه جایش عقب دسته چهارم باطالیان است

اجودان یاور عقب دسته دویم و جراح عقب دسته

هفتم می‌افتد سرهنگ و یاور در عقب مرکز فوج

جا میگیرند بطریقی که هیچ مدخلیتی در فاصله میان

باطالیانها نداشته باشند این فاصله همیشه ده قدم است

تا منتهای اردو باید آزاد باشد ملازم خزینه و بیدار

زدیک



نزدیک سرهنگ و در همان خط می‌ایستند جای
کرزمها در خط خانهای اتمز در وسط باطالیان دویم است
در صورتیکه فوج سه باطالیان باشد و عقب طرف راست
باطالیان دویم است وقتیکه فوج دو باطالیان باشد
کرزمها یک پناه گشاده از طرف فرنت‌آ رد و دارند
طول این پناه از برای یک فوج سه باطالیان سی قدم است
یک پناه کوچکتر بطرف راست این پناه برای صاحب‌منصبای
قراول میسازند شواله برای تفنگهای کرزمه بجسب است
بارتفاع پیش روی پناه و شواله برای تفنگهای قراول
چهار قدم عقب‌تر از شواله کرزمه است قراولخانه کرزمه همچنان
دویست قدم روبروی وسط فوج پیشتر از خط شوالهاست
و یک پناه باندازه قوتش دارد خانهای زندانیها چهار قدم



عقب‌تر از این پناه است در یک فوجی که اردویش در خط
دویم است پیش قراولخانه‌اش بقدر دویست قدم
عقب خانهای صاحب منصبان بزرگ است اسبهای صاحب
منصبان اتامژر فوج و اسبهای بنه بیست و پنج قدم
عقب‌تر از خانهای اتامژر است جای عرادها در همان
خطی است که اسبهای بنه است و نزدیک آنها جبادارها
و سرکارها و عمله‌ها و همچنین سربازهای عراده کش می‌باشند
مبرزهای قشون صد و پنجاه قدم پیش روی وسط هر باطالیانست
و مبرز صاحب منصبان صد قدم عقب خط آخری خانهاست
دور آنها را با شاخهای برگدار چپر میکنند صورتش در شکل اول
از نقشه دویم بکر است اول صورت یک اردویست که
خانهاش برای شانزده نفر است فرنت هر باطالیان

دویست وسی وهشت قدم یا هشتصد وچهل نفر فرض شده
این اندازه را بصد وشصت وشش قدم میتوان پائین آورد بانکه
عرض کوچهای بزرگ را کم کنند تا باندازه پنج قدم رسد اگر فرنت
اردوی یک باطالیان را بیشتر بخواهند کم کنند از برای هر دسته
یک قطار خانه میدهند و دو دسته که یک گروهان میشود
فاصله شان بکوچه بزرگ است و فاصله گروهانها از هم
بیک کوچه کوچک است در اردوئی که در نقشه دویم قانون نامه است
خانهاش برای هشت نفر است طرف درازترش متوازی
بفرنت اردوست فرنت هر باطالیان دویست وسی وهشت
قدم فرض شده این اندازه را باصد وهشتاد ودو قدم میتوان پائین
آورد چنانکه عرض کوچهای بزرگش را کم کنند تا به پنج قدم برسد
اگر فرنت اردوی باطالیان کمتر از صد وهشتاد ودو قدم باشد



هر دسته را یک قطار خانه میدهند کوچهای بزرگ جدا
میسازند و دو دسته را که یک گروهان میشود توپخانه همیشه باید نزدیک
قشونی باشد که با او وابسته است بقسمیکه در حالت تاخت باو
کمک کند و باتفاق قشون محافظت اردو نماید قراولانی
که بجهة نگاهداری قورخانه لازم است از توپخانه میدهند اگر
قراول توپخانه کفایت نکند از پیادگان میدهند نمره بیست و
پنجم در قواعد اردوی سواره در اردوی سواره هر اسکادران
دو قطار خانه دارند هر گروهان یکقطار و بزرگی خانها
هر قدر باشد طرف درازترش متوازی الفرنت اردو است
و درش در کوچه بحسب هر قطار خانهاست اسبهای هر
گروهانرا یک صف می بندند بطوریکه رویشان بطرف
درهای خانها باشد و فاصله اسبان از قطار خانهای یک

اردو



کروهان سه قدم یا شش قدم است و فاصله میان قطارها

بطوری باشد که فوج یکبروهان ستون بسازد چنانچه صورت ترتیبش

در شکل دویم از نقشه دویم مقرّر است هر کروهان ستون چپهاید در

خط محلی باشد که اسبهاشانرا باید به بندند از هر فاصله

یک کوچه عمودی حاصل میشود پهنای کوچه دویم هر اسکادران

بیشتر از اول هر فاصله ایست که باید اسکادرانهارا در وشتبان

جدا کند این فاصله در جمیع طول اردو همیشه مرعی و مقرر است

اسبان صف دویم هر یک بطرف چپ سرقطارشانست

اسبهای نایبها براست دسته‌هاست و اسبهای سلطان

فرمانده براست کروهان اول و اسبهای سلطان دویم

براست کروهان دویم است جائیکه یک اسب را می بندند

دو قدم و نیم است پنج پای عدد اسبهائیکه در یک ترتیب



گذاشته میشود طول اردوی سپاه و فاصله میان صفوف

خانهها را معین میکنند و علیقهها را میان این صفها میگذارند

آتشپز خانهها پست قدم پیش روی هر قطار خانه است

وکیلهای اسکادران جاشان در خانههای صف اول است

خانه اتامرها و عملهها و بنه کش اردو و بازارچی و رخت شوی در

صف آخر فوج است پناه داروغه در یک خط نزدیک بمرکز

فوج است و اسلحهاش در پناه است و پناه حایل و مانعی است

که در پیش رو میسازند برای اینکه محفوظ بمانند ضلع طول خانهای

صاحب منصبان عمود بفرنت اردو است و قرار آنها در دو

صف است در عقب و در امتداد قطار خانهای فوج است خانهای

صاحب منصبان اسکادران بفاصله سی قدم و خانه صاحب منصبان

اتامرها سی قدم عقبتر و جای سلطانها عقب راست اسکادرانشان



بانهای

ناپیهای اول و دویم در عقب چپ رئیس اسکادران عقب
اسکادران خود است منزل سرهنگ عقب مرکز فوج است
یاور بطرف راست او و اجودان بطرف چپ او است خزینه دار
و بیدقدار با هم عقب یکی از اسکادرانهای راست است
اسبهای صاحب منصبان اتامر نزدیک بخانهاشان
در همان خطی است که اسبهای اسکادران است اسبهای
بیمارخانه در یک صف بطرف راست یا بطرف چپ و چند
ملازم خدمتکار اسبها در خانهائی هستند که یک قطار
مخصوص است بطار و دست یاران او با هم در صف
خانهای اتامر کوچکند جای آهنگرها و عرادهای دیگر عقب
بیمارخانه است جای مالهای بنه دارد و بازارچی در یک
صف یا در چند صف با ارتفاع خانهای اتامر رو در خط

خانهای اسکادران چپ یا اسکادران راست است
پیش قراولخانه که به تخمین دویست قدم پیش روی صف
اول خانهاست و عادتا روبروی مرکز فوج است هر قدر که
وضع زمین مقتضی باشد قرارش مثل پیش قراولخانه
پیاده است اسبهایش را به یک صف یا دو صف می
بندند مبرزهای فوج را صد و پنجاه قدم پیش از صف
اول خانها قرار میدهند و مبرز صاحب منصبان را
صد قدم عقب تر از خط خانهای اتامرز و دور مبرزها را
با شاخهای درخت پرچین میکنند شکل دویم از نقشه
دویم مکرر در بیان یک اردوی سواره است که خانهای
برای چهارده نفر است فوج شش اسکادران فرض
شده و هر اسکادرانی شصت و چهار قطار که فرنت

جمع



جمیع ششصد و نود و شش قدم است چهار صد و
شصت و چهار متر و در آن پنج فاصله است اگر عدد
فوج کمتر باشد کم کردن عرض کوچها کفایت میکند
نمره بیست و ششم در بیان ممانعت منزل کردن در
خانها خانهائیکه در اردوی یک بریکاد است هیچ
صاحب منصب نمیتواند در آنها منزل بکند یا اسبابش را
بگذارد اگرچه خالی باشند مگر بعضی اوقات باذن
صریح میرپنج بریکاد که در آنصورت با میرتومان بگوید
نمره بیست و هفتم در قرار روابط وقتیکه سردار قرار
دادن روابط را لازم دانست سرهنگها زمین را معلوم
میکنند باتفاق یاور و اجودان یا ورسردار این
کار را بهر فوج تقسیم میکند اسبابیکه در فوج نباشد



از قور خانه مهندس میدهند یا معیوب باشد از قور خانه

پشت بند توبخانه میدهند نمره بیست و هشتم در اردوی

بی چادر و بی خانه که در فرانسه بیواک یا منند اردوهای بی

چادر و بی خانه را بهتر این است که در زمینهای خشک

و مسکون بیندازند و نزدیک بجاهائی باشند که تحصیل

سیورسات مشکل نباشد وقتیکه یک فوج سواره

اردوی بی چادر میباید داشته باشند سرهنگ بعد از

گردش اندازه های خاطر جمعی آنها را موافق گنجایش محل

باین ترتیب جا میدهد فوج عقب محلیکه باید بنشیند

در دسته‌ها ست سرهنگ دسته‌ها را بهره از جانب راست

قرار میدهد اسبهای هر دسته را چنانچه در اردو بیان شده

در یک صف می بندند و تمام شب با زین میگذارند

نفنگها



تفنگهایا نیزه‌ها را اول در عقب هر صف اسب چاتمه میکنند
شمشیرها با دهنهائیکه با آنها آویخته است به چاتمه‌ها می آویزند
علیق اسبان از طرف راست در درازی هر صف اسبها
میگذارند از هر دسته دو قراول اصطبل در پیش اسبان
میمانند هر دسته بطرف فرنت اردو بفاصله بیست قدم
از جانب چپ اسبها آتش میکنند و آدمها باطراف آن
می نشینند اگر وقت داشته باشند و ممکن باشد یک پناه
میسازند اسلحه و دهنه اسبان را در پناه میگذارند آتش
و پناه صاحبمنصبان در عقب خط سوارهاست فاصله که
میان اسکادرانهاست در همه اردو باید مرعی و آزاد باشد
و فاصله میان پناهها بقدری باشد که روش بمحل جنگ
برای دسته‌های آنها باشد خواه در عقب اردو و خواه



پیش روی اردو باشد تیمار کردن و آب دادن
و سایر خدمات اسبان موافق فاصله میان اردو و
دشمن است زمانیکه زین را میتوانند از پشت اسبان
بردارند در عقب اسبها بگذارند و بزین پوش به بندند در
اردوهای بی چادر پیاده ها آتش را در عقب خط چادرها مهیا میکنند
بجاهائیکه اگر چادر داشتند میزدند یا خانه ساخته در آنجا بود و باطراف آن می نشینند و اگر ممکن باشد پناه ها میسازند
وقتیکه ترس شبیخون زدن دشمن را داشته باشند پیش از
طلوع صبح پیاده ها تفنگها را میگیرند و سوارها سوار میشوند
تا زمانیکه معلوم کنند اگر از هم ریختن تفنگ بجهة پاک
کردن لازم شود بنوبه تفنگها را از هم ریخته پاک میکنند



نمره بیست و نهم در منزل گرفتن سواره و پیاده

در دامان

در دهات هر زمانیکه وقت داشته باشند و فاصله
با دشمن بقدری باشد که وقت ضرورت بتوانند
بمیدان جنک حاضر شوند در این صورت برای اینکه
اسبها را خوب متوجه شوند سوار ها را در دهات
منزل میدهند در صورتیکه منازل را در پیش مهیا
نکرده باشند بعد از ترتیب دشتبان اجودان
یاور هر فوج منزل اسکادرانها را مشخص میکنند
و کیلها بزودی خانهائیکه برای اسکادرانشان
معین شده نشان میدهند بهتر این است که منزلها
در محوطه و در مهمانخانهائی باشد که طویله بزرک
داشته باشد اگر طویلها یک میدان بزرک در پیش
رو داشته باشند دیگر بهتر است سرهنک یک محل را



بجهة اجتماع لشکر منظور میدارد اگرچه ترس از
دشمن داشته باشد و آن محل باید که پر دن ده
باشد و مخرجها قرار میگذارد و یک گریزگاه
بدهات دیگر معین کند که اطراف آن برای
گذر کردن دشمن مشکل باشد وقتیکه احکام
متعلق بخدمت و تقسیم و کوچ داده شد اجودان
یاور قراولخانها را ترتیب داده بیدق را بهمراهی
گزمه بمنزل سرهنگ میفرستد رئیس اسکادران
همیشه قراول در یک طویله مخصوص باو یا یک
کالسکه خانه میگذارد قرار قراول بزرگ را
خود سرهنگ باتفاق یاور میدهد و بعضی
اوقات یک قراول بجاهای بلند میگذارند

برای اینکه اگر دشمن نزدیک شود به تیر تفنگ
اجبار کنند قراولخانهارا که ترتیب دادند
اسکادرانها با سلطانهای خود پیش روی
منزلشان میروند اگر احتیاط کردن لازم باشد
سوارها در طویلها میخوابند شیپورچیها با وکیل
باشیها یا نزدیک بآنها منزل میکنند درحالتیکه
بتوانند خانهارا درست تقسیم کنند صاحب
منصبان یک تقسیم مساوی برای اسکادرانشان
میکنند همان ساعت کاه و علف باسبان
داده شود دو ساعت بعد از رسیدن اسبهارا
نوبه آب میدهند و بعد جو میدهند اگر
وقتی است که زین را از پشت اسبان بر نمیدارند



بگیرند عرق گیری اسبهارا با علف میکنند درصورتیکه
اردو چند روز بجائی بماند و قشون آرامی بگیرد
بهرسنک برای اینکه سواره را عادت باین
دهدکه همیشه حاضر باشند خبرهای دروغ میدهد
اگر در جمع شدن کوتاهی و تنبلی کنند فورا
بقراولشان می اندازد همین ترتیب برای
پیادها دنیکه در دهات منزل میکنند بکار برده
میشود در نزدیکی بدشمن دستهها با هم یا بهرهای
مرکب از دسته در خانها منزل میگیرند و وقت
طلوع صبح طبل حاضرباش زده همه باسلاح
جمع میشوند وقتیکه سواره و پیاده در یک ده
باشند کشیک روز با سواره است و کشیک



ز

شب با پیاده نمره سی ام در قاعده افتادن

بدهات وقتیکه قشون در مقابل دشمن بده

افتاده باشد بواسطه پیش قراول و موانع

طبیعی یا موانع مصنوعی حفظ خود را باید بکند

اما موانع طبیعی مانند رودخانه و دره و جنگل

وغیره است اما موانع مصنوعی مانند سنگر و خندق

وغیره است اگر در ده بعد از جنگ یا وقت

متارکه افتاده باشند بقدر امکان عقب

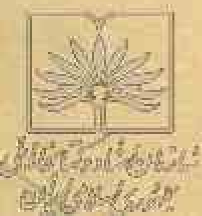
یک خط دفاع منزل کنند و در وقت حمله

پیش روی منزلها جمع شوند و طرح ریزی دور

هر گروها نزد امیر تومانها میکنند و طرح ریزی

دور هر بریکاد را امیر پنجها و بفوج خود جای مشقها





یا اسکادرانها را نشان میدهند هتر سبها در حالت
نزدیکی بدشمن یا حمله او جای هر سپاهی را نشان
میدهند نمره سی و یکم در قواعد اردوی صاحب
منصبان جای صاحب منصبان بزرگ در میان
فوجشان است زمانیکه فوج در مقابل دشمن بی چادر است
صاحب منصبان هم بی چادر باید باشند
نمره سی و دویم در مشق دادن افواج بصحرا و دهات
زمانیکه در آنجاها زیاد بمانند سرهنگها مشق را
از حرکت یک باطلیان و یک اسکادران
بتفصیل میدهند و جمع کردن افواج و بریگاد
اگر اردو را بطور کروهان زده باشند باذن
امیر تومان است و اگر در دهات افتاده
باشند



باشند موافق قرارنامه مبسوط باذن میرپنجهاست
ومشق تیراندا ختن ونشانه زدن باذن سردار است
و دراین رساله قواعد اردو که آنرا رساله معسکریه
نام نهادیم بجهة تسهیل تفهیم افواج نظام وصاحب
منصبان همین قدر کافی است وتفاصیل آن در کتب
علمیه متعلمین مدرسه دارالفنون مضبوط است
که در کتب متداوله مشروحاً مرقوم خواهد افتاد

تمت







